

نقش جهانی شدن اقتصاد و سازمان تجارت جهانی در حرکت جنوب به سمت همگرایی جهانی*

فرزاد پیلتن

(فوق لیسانس روابط بین الملل، مدرس دانشگاه آزاد)

میزان این همگرایی مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه

گرایش کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته جنوب به فرایندها، ساز و کارها و ترتیبات نهادی بین المللی و جهانی، از جمله رویدادهای مهم در نظام بین الملل نوین است. به رغم اینکه بسیاری از محققان، ریشه‌ها و عوامل این تحول را بیشتر در پرتو فرایند جهانی شدن و مباحث مربوط به آن می‌دانند و با وجود اینکه آثار فراوانی در این زمینه منتشر شده است، ولی به چگونگی و شناخت دقیق تر زمینه‌ها و بررسی علل، انگیزه‌ها و نحوه گرایش این کشورها کمتر پرداخته شده است.

این نوشته بر آن است با بررسی علل، زمینه‌ها و بستر شکل‌گیری و گرایش کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته جنوب به فرایندهای جهانی، نحوه و میزان گرایش جنوب به همگرایی جهانی در حوزه تجارت را مورد ارزیابی قرار دهد. در اینجا فرض اصلی بر آن است که جهانی شدن اقتصاد، از طریق فراهم کردن زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی موجب ایجاد انگیزه‌ها، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای گرایش کشورهای جنوب به عضویت در نهادهای جهانی و پذیرش مقررات و هنجارهای آن‌ها و همگرایی و مشارکت و نفوذ در روندها و ترتیبات جهانی، به ویژه در زمینه تجارت شده است.

در این نوشتار، منظور از جنوب، کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته و یا با کمترین میزان توسعه یافتگی است؛ منظور از همگرایی جهانی نیز، عضویت در سازمان‌های جهانی و پذیرش قواعد و ساز و کارهای آن‌ها و همچنین مشارکت و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و مبادلات جهانی است.

شاخص‌های ارزیابی حرکت جنوب به سمت همگرایی با ترتیبات جهانی نیز در اینجا میزان عضویت و مشارکت کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در سازمان تجارت جهانی و روندها و تصمیم‌گیری‌های این سازمان و همچنین ارزیابی میزان

این مقاله در ابتدا نگاهی بر تغییر و تحولات به وجود آمده در عرصه اقتصاد جهانی و روند شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی دارد. در ادامه، با توجه به میزان حضور کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری‌های این سازمان، چگونگی حرکت به سمت همگرایی میان جنوب و شمال را نشان می‌دهد.

چکیده

تا پیش از ظهور پدیده جهانی شدن، کشورهای جنوب همواره در پیرامون نظام جهانی قرار داشتند و از یک سو در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و از سوی دیگر در روند مبادلات و ترتیبات جهانی، نقشی فراتر از «حاشیه» نداشتند؛ بدین علت بیشتر در وضع «واگرایانه» با نهادها، ترتیبات، مقررات و به طور کلی نظام جهانی به سر می‌بردند و نه زمینه و نه علاقه‌ای برای گرایش به روندهای جهانی داشتند.

با وجود این، با شکل‌گیری فرایند «جهانی شدن» و در پرتو تحولات مربوط به آن در سال‌های اخیر، زمینه‌های ورود این کشورها به فرایندها، ترتیبات، نهادها و مبادلات جهانی تا حدود زیادی فراهم شده است. به عبارت دیگر، جهانی شدن - به ویژه در حوزه اقتصاد و تجارت - با پیامدهایی نظیر آزادسازی خارجی اقتصادهای ملی، فروپاشی مرزهای ملی و ... از

یک سو الزاماتی را برای جنوب برای ورود به عرصه‌های جهانی فراهم آورده و از سوی دیگر با تامین زمینه‌های شکل‌گیری گات و سازمان تجارت جهانی، بستر مناسبی را برای جذب این کشورها در ترتیبات جهانی و حرکت آن‌ها به سمت «همگرایی» با نظام جهانی و مشارکت و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و روندهای جهانی بوجود آورده است. در نوشته حاضر تلاش می‌شود نقش جهانی شدن اقتصاد و سازمان تجارت جهانی در فراهم کردن زمینه‌ها و علاقه‌های لازم برای همگرایی جنوب با ترتیبات جهانی و نحوه و



مبادلات این کشورها در حوزه اقتصاد و تجارت جهانی است. بر این اساس، فرضیه این نوشته در سه قسمت بررسی می‌شود. ابتدا پس از بررسی مختصر جهانی شدن اقتصاد و ویژگی‌ها و مشخصات آن، آثار کلی این پدیده، به ویژه تمایل کشورهای جنوب به همگرایی جهانی، خواهد آمد. سپس برای ارزیابی دقیق‌تر چگونگی همگرایی جهانی میان کشورهای فوق، به ویژه در حوزه تجارت، تمهیدات و شرایطی که سازمان تجارت جهانی در این باره پیش‌بینی و اعمال کرده، بررسی خواهد شد؛ سرانجام با بررسی میزان عضویت کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته جنوب در سازمان جهانی تجارت و همچنین میزان مشارکت و نفوذ این کشورها در تصمیم‌گیری‌های این سازمان و سهم این کشورها در مبادلات جهانی، چگونگی و میزان گرایش کشورهای جنوب به همگرایی جهانی را به طور نسبی ارزیابی خواهیم کرد.

نقش جهانی شدن اقتصاد در تمایل جنوب به همگرایی جهانی الف. جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن، به معنای کلی و ساده آن، گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن، و تعمیق تأثیر فرا قاره‌ای جریان‌ها و الگوهای تعامل اجتماعی است. به عبارت دیگر جهانی شدن عبارت است از جابه‌جایی یا دگرگونی در مقیاس سازماندهی انسانی؛ به گونه‌ای که جامعه‌های دوردست را به یکدیگر متصل می‌کند و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره‌های دنیا گسترش می‌دهد. با وجود این، جهانی شدن را نباید نشانه ظهور یک جامعه جهانی هماهنگ یا به عنوان یک فرایند عمومی «ادغام جهانی» تلقی کرد که در آن، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها همگرایی فزاینده پیدا می‌کنند، زیرا نه تنها آگاهی از فشردگی فزاینده موجب خصومت‌ها و درگیری‌های جدید می‌شود، بلکه ممکن است به سیاست‌های ارتجاعی و بیگانه‌هراسی ریشه‌دار دامن‌بزند. (۱) امروزه نشانه‌های جهانی شدن در بسیاری از حوزه‌ها نظیر اقتصاد، سیاست و فرهنگ در حال ظاهر شدن است. اقتصاد، یکی از ملموس‌ترین و عینی‌ترین حوزه‌ها است که تحت عنوان «جهانی شدن اقتصاد» مورد تأکید و توجه فراوان پژوهشگران قرار گرفته است.

در واقع، جهانی شدن اقتصاد، به عنوان یکی از حوزه‌های جهانی شدن، پدیده‌ای بسیار مهم و جدید است که به ویژه در تحلیل ماهیت و ساختار نظم اقتصاد سیاسی و بین‌الملل دوران پس از جنگ سرد مورد استناد قرار می‌گیرد. گروهی از صاحب‌نظران و دانشمندان سیاست و اقتصاد بین‌الملل معتقدند که جهانی شدن اقتصاد به مجموعه‌ای از عوامل و عناصر جهانی و بین‌المللی مربوط می‌شود که در صدد عمومی کردن و تسریع ارتباط متقابل و وابستگی متقابل دولت‌ها و نیز جوامع مدنی در سطح نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل هستند. (۲)

برخی دیگر معتقدند جهانی شدن اقتصاد، به طور کلی، به معنی از بین رفتن مرزهای ملی است و ویژگی بارز آن عبارت است از ادغام تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل از طریق گسترش حجم تجارت کالاها و خدمات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در سهام و گردشگری بین‌المللی. در این شرایط، عرصه اقتصاد بین‌الملل، صحنه مبارزه کشورها نیست، بلکه میدان مسابقه‌ای است که هر رقیب می‌خواهد برنده آن باشد. (۳) از نظر برخی از اقتصاددانان، جهانی شدن به معنای افزایش آزادی افراد و بنگاه‌ها در داد و ستد با افراد و بنگاه‌های سایر کشورهاست. در این فرایند،

بازارهای داخلی به روی عرضه‌کنندگان خارجی باز می‌شوند و عرضه‌کنندگان داخلی نیز به بازارهای خارجی دسترسی پیدا می‌کنند. ویژگی کلیدی این فرایند آن است که موانع بر سر راه داد و ستد با افراد و بنگاه‌های فرامرزی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب، هزینه داد و ستد با آن‌ها با هزینه‌های مشابه در داخل کشور یکسان می‌شود. (۴)

در سطح تحلیل و دیدگاه صرفاً اقتصادی، «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) عنوان می‌دارد که جهانی شدن اقتصاد اساساً نشان‌دهنده روندی است که دربرگیرنده گسترش و توسعه تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، بین‌المللی شدن روز افزون بازارهای پولی، مالی و اعتباری و نیز رشد و گسترش بازارهای سرمایه‌گذاری خارجی است. (۵)

در این چشم‌انداز، جهانی شدن به عنوان فرایند اتحاد جهانی اقتصادهای بخشی معرفی می‌شود که در عین حال، متضمن درهم آمیختگی و رخنه متقابل و بسیار عمیق اقتصادهای ملی در یکدیگر و نیز رقابت مستقیم و بسیار پیشرفته میان آن‌هاست.

«مک‌ایوان» معتقد است روند جهانی شدن اقتصاد به سوی توسعه و توزیع گسترده‌تر، آزاد و بین‌المللی و البته روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی بدون حد و مرز است. «پل کروگمن» از اقتصاددانان برجسته اقتصاد بین‌الملل نیز جهانی شدن اقتصاد را به عنوان یک اقبال و گشایش گسترده بازارهای ملی به روی تجارت بین‌المللی تعریف می‌کند؛ گشایشی که تمام قدرت و فشارهای ساختاری خود را در جهت اتحاد و ادغام تنگاتنگ و بی‌نظیر بازارهای جهانی بکار می‌گیرد. (۶)

علاوه بر این، گروهی از دانشمندان اقتصاد سیاسی بین‌الملل، عواملی از قبیل رشد و گسترش روزافزون وابستگی متقابل در سطح نظام اقتصاد بین‌الملل، از میان رفتن فزاینده مرزهای بازارهای ملی و منطقه‌ای، اتحاد و ادغام ساختاری شرکت‌ها و کارخانه‌های چندملیتی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی و فن‌شناختی (تکنولوژیک)، و توسعه بیش از پیش ساختار اطلاعات جهانی را که سبب اتصال همه نقاط جهان می‌شود، برای توضیح روند جهانی شدن اقتصاد شناسایی کرده‌اند.

همچنین در باره رابطه جهانی شدن اقتصاد و توسعه ملی نیز گفته شده است که در چارچوب روند جهانی شدن اقتصاد، تسریع روند بین‌المللی اقتصاد و تولید و نیز رشد انفجاری جریان انتقال سرمایه‌های جهانی و بین‌المللی همگی موجب ترویج و توسعه راهبردهای زیربنایی و کلان ملی در جهت آزادسازی تجارت و اقتصاد شده‌اند و بر اساس دیدگاه‌های نظری در اقتصاد کلاسیک، افزایش قدرت رقابت اقتصادی در پی اصلاح و ترقی مزیت‌های نسبی اقتصادهای ملی، در نهایت موجب بالا رفتن هر چه بیشتر سطح زندگی در کشورهای مورد بحث می‌شود. (۷)

ب. آثار جهانی شدن اقتصاد بر همگرایی جنوب با روندهای جهانی

جهانی شدن اقتصاد، فرایند جدیدی نیست. از حدود بیش از پنج قرن پیش، شرکت‌های کشورهای پیشرفته اقتصادی از طریق تجارت و فعالیت‌های تولیدی، خدمات خود را به نحو چشم‌گیری به سرزمین‌های سراسر جهان گسترش دادند این روند در دوره استعمار تشدید شد؛ در دو تا سه دهه گذشته، جهانی شدن اقتصاد در نتیجه عوامل مختلف نظیر

پیشرفت‌های فن شناختی (تکنولوژیک) و سیاست‌های آزادسازی اقتصادی به سراسر جهان گسترش یافته و تشدید شده است. (۸)

مهمترین ابعاد جهانی شدن اقتصاد عبارت است از فروپاشی مرزهای اقتصاد ملی، شیوع همه جانبه تجارت بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های تولیدی و مالی، و قدرت روزافزون شرکت‌های فراملیتی و موسسات مالی بین‌المللی. علاوه بر این، در حالی که جهانی شدن اقتصاد، فرابندی نابرابر است که موجب افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در چند کشور معدود می‌شود، تقریباً همه کشورها از این فرایند به طور چشم‌گیری نائبر می‌پذیرند.

مثلاً در اغلب کشورها، در حیطه بازارهای مالی و پولی، تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مرزهای ملی در حال فروپاشی است: در زمینه آزادسازی مالی، به عنوان برجسته‌ترین بعد از ابعاد آزادسازی در زمینه کنترل‌های اعمالی بر بازارها و جریانات مالی، اقدامات پیشرفته و وسیعی صورت گرفته است. برای مثال، با فروپاشی نظام «برتن وودز» در ۷۳-۱۹۷۲، تجارت بین‌المللی ارزشها بوجود آمد و گسترش چشمگیری یافت؛ حجم مبادلات ارزی در بازارهای جهانی از متوسط روزانه ۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ افزایش یافت و اکنون از مرز ۱۰۰۰ میلیارد دلار گذشته است.

آزادسازی تجارت نیز به تدریج افزایش یافته است، بر اساس آمارهای منتشر شده، صادرات جهانی از ۶۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۳۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰، ۳۴۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ... در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. سهم صادرات جهانی در تولید ناخالص داخلی از تقریباً ۶ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۳ و ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۲ رسیده است. (۹)

در آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم نیز، رشد پایداری وجود داشته است. هر چند در دوره ۹۵-۱۹۹۱، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه در حد متوسط ۳۲ درصد (در مقایسه با ۱۷ درصد در دوره ۹۰-۱۹۸۱) نسبتاً افزایش داشت، لیکن بیشتر این نوع سرمایه‌گذاری و افزایش آن مربوط به کشورهای پیشرفته است. با این حال، مقایسه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۹۰-۱۹۸۵ (۱۴۱/۹۳ میلیارد دلار) با سال‌های ۹۶-۱۹۹۴ (۳۰۱/۴۹۶ میلیارد دلار) رشدی بیش از صد درصد را نشان می‌دهد.

همچنین جهانی شدن سیاست‌های ملی و ساز و کارهای سیاست‌گذاری، از دیگر ابعاد مهم جهانی شدن بطور اعم و جهانی شدن اقتصاد بطور اخص می‌باشد. در واقع، سیاست‌های ملی که تا کنون در صلاحیت دولت‌ها و مردم داخل یک کشور بود، به طور فزاینده‌ای تحت نفوذ فرایندها و موسسات بین‌المللی یا شرکت‌های خصوصی و بازیگران مالی و اقتصادی قرار گرفته است و این موسسات جهانی، بازیگران عمده در گستره وسیعی از سیاست‌ها شده‌اند. از مهمترین آن‌ها می‌توان به بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و سازمان تجارت جهانی اشاره کرد. (۱۰)

به طور کلی می‌توان گفت در روند جهانی شدن اقتصاد، کشورها به هم وابسته می‌شوند، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابد، نقل و انتقالات مالی بین کشورها آسانتر می‌شود، کنترل ملت‌ها و دولت‌ها در نقل و انتقالات مالی و فن‌آوری به شدت کاهش می‌یابد. (۱۱) گسترش و تعمیق وابستگی متقابل کشورها و اقتصادهای ملی، یکپارچگی بازارهای ملی و گسترش مبادلات تجاری، مقررات‌زدایی و از میان رفتن

ضوابط حمایت‌گرانه بازرگانی از جمله تغییرات و تحولاتی است که طی چند دهه اخیر اتفاق افتاده و همراه با سیاست‌های اتحادیه‌های اقتصادی جهانی، فعالیت شرکت‌های بین‌المللی و موسسات اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و به ویژه سازمان تجارت جهانی بوده است.

البته به موازات پیامدهای فوق باید به دیگر پیامد بسیار مهم جهانی شدن اقتصاد، یعنی «منطقه‌ای شدن روابط اقتصادی و تجاری» و به طور کلی «همگرایی منطقه‌ای» اشاره کرد که در واقع در واکنش به جهانی شدن اقتصاد شکل گرفته است. در مورد منطقه‌ای شدن روابط اقتصادی و تجاری، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. اما، به طور کلی می‌توان گفت در چارچوب اصول جهانی شدن اقتصاد بین‌الملل، منطقه‌ای شدن به مجموعه‌ای گسترده ولی گوناگون از روابط و هماهنگی‌های اقتصادی و تجاری برگزیده در قالب اتحادیه‌های اقتصادی و گمرکی و نیز مناطق آزاد تجاری، متکی و محدود است که اصول آن در میان دولت‌ها به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود. (۱۲)

جنبش عدم تعهد، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، پیمان آند، بازار مشترک آمریکای مرکزی، جامعه اقتصادی شرق آفریقا، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)، اتحادیه و بازار مشترک کشورهای کارائیب، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین، اتحادیه همبستگی آمریکای لاتین، اتحادیه گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی، اسکاپ، بازار مشترک عربی، بانک توسعه آسیا، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه اسلامی، سازمان وحدت اسلامی و ... فهرستی از نهادهایی هستند که کشورهای جنوب در آن‌ها گرد هم می‌آیند اما توفیق چندانی نداشته‌اند. (۱۳)

در مجموع می‌توان گفت جهانی شدن و پیامدهای آن، به ویژه در حوزه اقتصاد، از یک سو موجب گرایش به همگرایی جهانی میان کشورهای مختلف از جمله کشورهای در حال توسعه، به ویژه در چارچوب سازمان تجارت جهانی شده است و از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری نوعی همگرایی منطقه‌ای شده که سابقه طولانی‌تری در نظام بین‌الملل دارد و در اشکال جدیدتر و به صورت وسیع‌تر در میان بسیاری از کشورها رایج شده است.

نقش سازمان تجارت جهانی در ایجاد تمایل میان کشورهای جنوب برای همگرایی جهانی

همانطور که اشاره شد، علاوه بر الزامات ناشی از جهانی شدن اقتصاد، شکل‌گیری گات و سازمان تجارت جهانی و پیش‌بینی برخی تمهیدات و امتیازات در این دو نهاد نیز موجب ایجاد تمایلات جهان‌گرایانه در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته شده است.

به طور کلی، سازمان تجارت جهانی بر اساس نیازهای کشورهای در حال توسعه توانسته است شرایطی را به سه صورت برای جذب کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته فراهم کند و آن‌ها را با سازوکارهای جهانی خود همراه سازد: موافقتنامه‌ها، کمیته‌های درونی، و خدمات آموزشی. (۱۴)

الف. موافقتنامه‌ها

علاوه بر زمینه‌ها و شرایطی که در گات برای جذب کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده بود، سازمان تجارت جهانی نیز در موافقتنامه‌های

خود، برخی مقررات و امتیازات ویژه را برای جذب کشورهای در حال توسعه به این سازمان پیش بینی کرده است که در ادامه، این مقررات را در پنج حوزه: تجارت کالا، تجارت خدمات، حمایت از حقوق مالکیت فکری، مکانیسم حل اختلافات، بررسی سیاست‌های تجاری و خریدهای دولتی - بررسی می‌کنیم.

۱. تجارت کالا

به طور کلی، موافقتنامه تشکیل سازمان تجارت جهانی، دارای چهار ضمیمه به عنوان اجزای لاینفک آن است که ضمیمه اول خود مرکب از سه موافقتنامه است. نخستین مورد، «موافقتنامه چند جانبه در مورد تجارت کالا» نام دارد که اولین سند از این مجموعه، «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» در سال ۱۹۹۴ یا به تعبیر همین موافقتنامه، موافقتنامه گات ۱۹۹۴ است. این موافقتنامه، موافقتنامه گات ۱۹۴۷ را به عنوان محور اصلی انتخاب کرده و با الحاق چند سند تفسیری به آن، مجموعه‌ای به نام موافقتنامه گات ۱۹۹۴ را ایجاد کرده است. با توجه به اینکه روح کلی حاکم بر مقررات گات ۱۹۴۷، حمایت از تجارت آزاد است، اصول و مقررات وضع شده نیز در این مسیر است.

برخی مؤلفین، اصول حاکم بر مقررات گات را در دو گروه ثابت و پویا طبقه‌بندی کرده‌اند.^(۱۵) اصول ثابت در گذر زمان تغییر نخواهد کرد، ولی اصول پویا با توجه به مقتضیات زمان، به تدریج، اجرا خواهد شد.

اصول ثابت گات عبارت‌اند از:

- رفتار دولت کامله الوداد (MFN) یا اصل عدم تبعیض؛

- رفتار ملی؛

- ترانزیت آزادانه کالاها؛

- تدابیر مربوط به یارانه‌های ملی و ضد دامپینگ و عوارض جبرانی؛

- مقررات کنترل تسعیر ارزها و پول ملی؛ و

- تعمیم اصول گات به تجارت دولتی و انحصارات دولتی.

دو اصل نخست، هسته مرکزی مقررات گات هستند و چهار اصل بعدی، زمینه‌های مساعد برای اجرای این دو اصل را فراهم می‌کنند.

اصول پویا عبارت‌اند از:

- کاهش تدریجی تعرفه‌ها؛

- کاهش و حذف نهایی محدودیت‌های مقداری (سهیمه بندی)؛ و

- حذف موانع غیر تعرفه‌ای.^(۱۶)

در ادامه بحث، ضمن اشاراتی مختصر به قواعد اجرای این اصول، نحوه اعمال آن‌ها در مورد کشورهای در حال توسعه بررسی می‌شود.

اصل «رفتار دولت کامله الوداد و کشورهای در حال توسعه»

در اجرای رفتار دولت کامله الوداد، هر چند گات به موجب ماده (۱) مقررات کلی را در باره تجارت کالا بین اعضای سازمان تجارت جهانی وضع کرده است، ولی استثنائاتی را نیز به نفع کشورهای در حال توسعه - مثلاً نظام عمومی ترجیحات (GSP) - لحاظ کرده است.^(۱۷)

اصل «رفتار ملی و کشورهای در حال توسعه»

طبق ماده (۳) گات، طرف‌های متعاقد باید با کالاها و وارداتی از سایر کشورهای متعاقد گات مثل کالاهای داخلی رفتار کنند. تأکید اصلی در

این ماده بر سه محور زیر است:

۱. اخذ مالیات (بند ۲ ماده ۳)؛

۲. خریدهای دولتی (بند ۸ ماده ۳)؛ و

۳. مقررات تبعیضی به ضرر محصولات خارجی (بند ۷ ماده ۳).

در واقع، سازمان تجارت جهانی به موجب ماده ۳ گات، شرایط و تسهیلاتی را برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی کرده است. همچنین در اجرای «اصل رفتار ملی» در ماده ۱۸ گات، بحث مفصلی تحت عنوان «کمک دولتی برای توسعه اقتصادی» وجود دارد که گرچه صریحاً به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی اشاره نمی‌کند، ولی محتوای مقررات آن به گونه‌ای است که برای این گروه از کشورها رفتار متمایزی را در قبال مقررات عمومی گات پیش‌بینی می‌کند. برای نمونه، بند ۲ از ماده مزبور، برخلاف اصل رفتار ملی، برای این گروه از کشورها اتخاذ اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات موثر بر واردات را تجویز می‌کند.^(۱۸)

اصل «کاهش تدریجی تعرفه‌ها»

در چارچوب این اصل که یکی از اصول مهم در مقررات گات و سازمان تجارت جهانی است، کاهش تعرفه‌ها و سپس تثبیت آن‌ها از طریق مذاکرات چند جانبه اعضای سازمان با یکدیگر صورت می‌گیرد و نتیجه مذاکرات در مورد تعرفه‌های گمرکی در جدولی مختص هر کشور به نام «جدول امتیازات» درج می‌شود. میزان‌های مندرج در این جدول، الزام‌آور خواهد بود و افزایش آن‌ها جز در شرایط خاص که می‌تواند مورد استفاده کشورهای در حال توسعه هم قرار گیرد، ممنوع شده است.

اصل «منع اعمال محدودیت‌های مقداری (سهیمه بندی)»

در اجرای «اصل منع اعمال محدودیت‌های مقداری (سهیمه بندی)» به عنوان یکی از شیوه‌های متداول در محدودسازی آزادی تجارت بین‌الملل، نیز به رغم صراحت بند ۱ ماده ۱۱ گات مبنی بر ممنوعیت اعمال محدودیت‌های مقداری، در ماده ۱۲ مواردی برای مستثنی شدن از این قاعده بیان شده است. این ماده، با عنوان «محدودیت‌های مربوط به حفظ تراز پرداخت‌ها» کلاً به یکی از مشکلات اساسی و معمولاً مستمر کشورهای در حال توسعه اختصاص یافته است. در بند ۱ این ماده آمده است:

«۱. به رغم مقررات بند ۱ ماده ۱۱، هر متعاقد به منظور حفظ وضع مالی خارجی و تراز پرداخت‌های خود می‌تواند مقدار یا ارزش کالای مجاز برای ورود را بر اساس مقررات بندهای این ماده محدود کند.»^(۱۹)

همچنین بر اساس قسمت ب ماده ۱۸ گات، مقررات مفصلی در خصوص اجرای اصل فوق به نفع کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است.^(۲۰)

اصل «منع اعمال موانع غیر تعرفه‌ای»

در اجرای «اصل منع اعمال موانع غیر تعرفه‌ای» که برای شفاف شدن مقررات تجارت بین‌الملل وضع شده، به موجب مواد ۸ و ۹ گات، قواعدی کلی میان اعضای سازمان تجارت جهانی وضع شده است: قاعده مقرر در ماده ۱۸ گات در مورد معافیت مشروط کشورهای در حال توسعه از اصل «منع اعمال موانع غیر تعرفه‌ای» نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد.

علاوه بر اینها در خصوص تامین مواد غذایی - به عنوان یکی از موارد آسیب‌پذیری کشورهای در حال توسعه - از اسناد مهمی که اختصاصاً در این زمینه در چارچوب سازمان تجارت جهانی وضع شده است، «تصمیم در مورد تدابیر مربوط به آثار منفی احتمالی برنامه اصلاحات بر کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی و کشورهای در حال توسعه وارد کنندهٔ خالص مواد غذایی» است. این مصوبه در مورد اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی در کشورهایی است که دچار مشکلات اقتصادی شدید هستند. طبق این مصوبه، سازوکارهایی برای تضمین عدم تأثیرپذیری منفی این گروه از کشورها در اثر اجرای تعهدات کلی کشورها پیش‌بینی شده است. (۲۱)

۲. تجارت خدمات

توجه ویژه به تجارت خدمات یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی در مقایسه با گات ۱۹۴۷ است؛ در موافقتنامه‌های این سازمان به موازات مقررات عمومی، مقررات ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است که یکی از موارد آن، تجارت خدمات است. در واقع، کشورهای در حال توسعه در اکثر بخش‌های تجارت کالا با کشورهای توسعه یافته فاصله دارند. همچنین به دلیل نوین بودن بیشتر جنبه‌های خدمات و تجربه اندک کشورهای در حال توسعه در این زمینه - از جمله بانکداری و بیمه - و از طرف دیگر، سطح بسیار بالایی تخصص و فناوری (تکنولوژی) در برخی رشته‌های خدماتی - از جمله خدمات ارتباطات - فاصله بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار بیشتر شده است. از این رو ماده (۴) موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، فرصت‌های کشورهای در حال توسعه در بخش خدمات را به شرح زیر پیش‌بینی کرده است:

الف - افزایش ظرفیت خدمات داخلی این کشورها و ارتقای کارایی قدرت رقابت آن‌ها از جمله دسترسی به فناوری بر مبنای تجارت؛
ب - بهبود امکانات دسترسی این کشورها به کانال‌های توزیع و شبکه‌های اطلاعاتی؛ و

ج - آزادسازی دسترسی به بخش‌های مختلف بازار و شیوه‌های عرضه دارای منافع صادراتی برای آن‌ها.

همچنین بند ۲ از ماده ۴ موافقتنامه به طور مشخص از کشورهای توسعه یافته عضو سازمان خواسته است ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن موافقت‌نامه سازمان، به منظور تسهیل دسترسی عرضه‌کنندگان خدمات در کشورهای در حال توسعه به اطلاعات مرتبط با بازارهای آن‌ها، نقاط تماسی را در خصوص موارد زیر تشکیل دهند.

الف - جنبه‌های تجاری و فنی عرضه خدمات؛

ب - ثبت، تأیید و کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای؛ و

ج - فراهم آوردن فناوری خدمات. (۲۲)

ماده ۱۵ موافقتنامه نیز به طور مشخص در مورد اجتناب از پرداخت یارانه به خدمات است تا از آثار منفی آن پرهیز شود. ولی از طرفی، همان ماده با اشاره صریح به وضع خاص کشورهای در حال توسعه، موضع انعطاف‌پذیری را درباره این گروه از کشورها اتخاذ می‌کند. این ماده، فاقد قاعده مشخصی در مورد امکان اعطای یارانه به خدمات کشورهای در حال توسعه است، ولی بیانگر نگرش کلی سازمان تجارت جهانی به رفتار متمایز و ترجیحی در قبال کشورهای در حال توسعه است. در بخشی از آن چنین

آمده است:

«چنین مذاکراتی، نقش یارانه در برنامه‌های توسعه کشورهای در حال توسعه را تأیید خواهد کرد و ضرورت توجه ویژه به کشورهای در حال توسعه را به منظور برخورداری از انعطاف در این زمینه در نظر خواهد گرفت.» (۲۳)

۳. حمایت از حقوق مالکیت فکری

در زمینه حمایت از «حقوق دارایی فکری (مالکیت معنوی)» نیز به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان تجارت جهانی نسبت به گات «موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت حقوق فکری» (TRIPS) به مقررات گات اضافه شده که به موجب بند ۲ ماده ۶۵ آن برای کشورهای در حال توسعه چهار سال بیش از کشورهای توسعه یافته زمان برای دوره انتقالی (دوره انطباق وضعیت داخلی خود با مقررات موافقت‌نامه) پیش‌بینی شده است؛ این دوره براساس بند ۴ ماده ۶۵ و بند ۸ ماده ۷۰ در برخی موارد خاص قابل تبدیل به مدت ۱۰ سال نیز است. (۲۴)

علاوه بر ارائه تسهیلات در زمینه دوره انتقالی برای انطباق با مقررات این موافقتنامه، قواعدی نیز در زمینه کمک‌های فنی به این گروه از کشورها در آن وضع شده است. در ماده ۶۷ موافقتنامه چنین آمده است: «کشورهای توسعه یافته عضو به منظور تسهیل اجرای این موافقتنامه، در صورت درخواست و طبق شرایط و ترتیباتی که در مورد آن‌ها توافق خواهد شد، همکاری‌های فنی و مالی به نفع اعضای در حال توسعه و دارای کمترین میزان توسعه‌یافتگی خواهند داشت. این همکاری، شامل کمک به وضع قوانین و مقررات برای حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای آن‌ها و نیز جلوگیری از سوءاستفاده از آن‌ها خواهد بود و پشتیبانی از تأسیس یا تقویت دفاتر و سازمان‌های داخلی ذی‌ربط در این مسایل، از جمله آموزش افراد را دربر خواهد گرفت.» (۲۵)

۴. حل و فصل اختلافات

قاعده کلی رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی که در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی رعایت می‌شود، در مورد نظام حل و فصل اختلافات نیز اجرا می‌شود. برای مثال، اختیارات زیر به کشورهای در حال توسعه داده شده است:

الف - انتخاب یک آیین جایگزین برای رسیدگی سریعتر به اختلافات؛
ب - درخواست مهلت زمانی بیشتر برای آمادگی به منظور دفاع؛
ج - درخواست معاضدت‌های حقوقی تکمیلی از سازمان جهانی تجارت.

همچنین سایر اعضای سازمان ترغیب شده‌اند که در هنگام طرح اختلافات، ملاحظات خاصی را در مورد وضع فناوری در کشورهای در حال توسعه مد نظر قرار دهند.

بر این اساس و با توجه به رعایت حقوق ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه در آیین رسیدگی به اختلافات در چارچوب «رکن حل و فصل اختلافات»، این سازوکار در سطحی گسترده توسط کشورهای در حال توسعه به کار رفته است، به طوری که تا ۱۵ فوریه ۱۹۹۸، ۳۷ درخواست توسط کشورهای در حال توسعه در مورد ۲۷ موضوع از کل ۸۳ موضوع مطرح شده است. (۲۶)

همچنین ماده (۳) از تفاهم‌نامه راجع به قواعد رویه‌های حاکم بر حل اختلافات، قواعد ویژه‌ای را به نفع کشورهای در حال توسعه وضع کرده

است؛ استفاده از خدمات حقوقی تکمیلی سازمان تجارت جهانی توسط کشورهای در حال توسعه در طرح دعاوی حقوقی علیه اعضای دیگر، یکی از حقوق ویژه این گروه از کشورها است که در تفاهم نامه مربوطه به رسمیت شناخته شده است.

۵- بررسی سیاست های تجاری و خریدهای دولتی

علاوه بر موارد فوق، در سند «مکانیسم بررسی سیاست های تجاری و موافقتنامه خریدهای دولتی»، قواعد ویژه ای برای کشورهای در حال توسعه در نظر

گرفته شده است. (۲۷) در واقع، از آنجا که زمانبندی بررسی سیاست های تجاری بر اساس توان اقتصادی و میزان توسعه یافتگی کشورهاست، از یک سو برای کشورهای در حال توسعه این فرصت فراهم شده تا از مدت زمان بیشتری برخوردار شوند و از سوی دیگر به این کشورها اجازه داده شده که سیاست های تجاری خود را در چارچوب برنامه های توسعه اقتصادی اصلاح کنند. همچنین کشورهای در حال توسعه با انتشار عمومی نتایج بررسی سیاست های تجاری می توانند از عملکرد کشورهای موفق درس بگیرند. (۲۸)

در زمینه خریدهای دولتی نیز که موضوع یکی از موافقتنامه های اختیاری سازمان تجارت جهانی است، گرچه اصل کلی حاکم بر آن، عدم تبعیض بین شرکت های داخلی و خارجی در خرید دولتی است، ولی ماده ۴ همین موافقتنامه، رفتار ویژه توسط کشورهای در حال توسعه را مجاز دانسته و به این گروه از کشورها اجازه داده است که برای مستثنی کردن تشکیلات معین، محصولات معین، و خدمات معین، با سایر طرف های موافقتنامه مذاکره کنند. (۲۹)

ب. کمیته ها

۱. کمک های کمیته تجارت و توسعه

این کمیته، دارای اختیارات وسیعی است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: چگونگی اجرای تدابیر حمایتی در مورد کشورهای در حال توسعه، تعیین خطوط کلی همکاری های فنی، افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری، و موقعیت کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی.

کشورهای عضو باید برنامه های خاصی را که متضمن اعطای امتیازات تجاری به محصولات کشورهای در حال توسعه و ترتیبات منطقه ای بین این کشورهاست، به اطلاع سازمان تجارت جهانی برسانند. به عنوان نمونه، در این راستا، کمیته تجارت و توسعه، موارد زیر را به سازمان تجارت جهانی اطلاع داده است.

برنامه های نظام عمومی ترجیحات (جی.اس.پی)

بازار مشترک جنوبی در آمریکای لاتین (مرکوسور)

منطقه آزاد تجاری کشورهای جنوب شرق آسیا (افتا)

۲. کمیته فرعی کشورهای

دارای کمترین توسعه یافتگی

این کمیته به کمیته تجارت و توسعه گزارش می دهد. موضوع کار آن به این شرح است:

روش های ادغام کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی در نظام تجارت چندجانبه؛ و همکاری فنی.

این کمیته در فواصل منظم، راه های اجرای مقررات به نفع کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی را در موافقتنامه های سازمان

تجارت جهانی بررسی می کند. سازمان، دارای دو دستوراد اصلی زیر است که می تواند چنین کشورهایی را برای ادغام بهتر در نظام تجارت چندجانبه کمک کند:

۱. دادن این اطمینان که چنین کشورهایی در همکاری های فنی سازمان جهانی تجارت، اولویت دارند و این کمک ها برای ظرفیت سازی به منظور تاسیس نهادهای لازم برای آموزش مهارت های مورد نیاز می باشد؛ و

۲. تهیه برنامه اقدام سازمان برای کشورهای با حداقل توسعه یافتگی. (۳۰)

ج. کمک های آموزشی

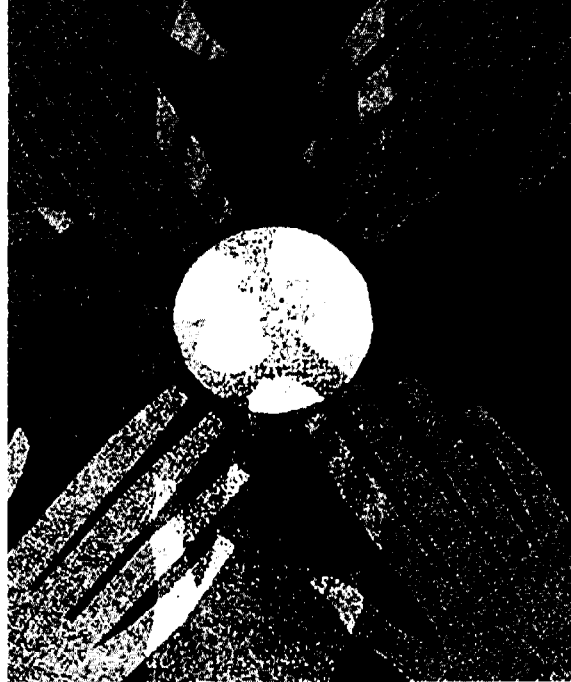
۱. همکاری ها و کمک های فنی، بخشی از کار سازمان تجارت جهانی است که به طور کامل به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد و کارکرد موفقیت آمیزی در نظام تجارت چند جانبه دارد. هدف از همکاری های فنی، کمک به تشکیل نهادهای لازم و آموزش مقامات رسمی است. موضوع این همکاری ها با سیاست های تجاری و مذاکرات موثر ارتباط دارد.

کمک های حقوقی

دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، دارای مشاوران حقوقی برای کمک به کشورهای در حال توسعه است. آن ها به مشاوره و حل اختلاف اقدام می کنند و این خدمات را از طریق دایره آموزش و همکاری فنی ارائه می دهند. (۳۱)

ارزیابی نسبی میزان و چگونگی گرایش کشورهای جنوب به همگرایی جهانی

همانگونه که در قسمت های پیشین آمد، سازمان تجارت جهانی، به دنبال جهانی شدن اقتصاد و تحولات مربوط به آن ایجاد شد و با پیش بینی برخی تمهیدات و امتیازها برای کشورهای جنوب، زمینه جذب این کشورها را در روند همگرایی جهانی فراهم آورد. در این قسمت تلاش



جهانی و به ویژه اتخاذ رویکرد خاص در قبال کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته داشته باشند. در واقع، این رویکرد را می توان در نحوه تنظیم بعضی از موافقتنامه های سازمان مشاهده کرد که در آن ها به دلیل وضع خاص این گروه از کشورها، مقررات ویژه و ترجیحی به نفع آن ها تنظیم شده است.

در همین زمینه می توان به نقش فعال کشورهای در حال توسعه در تنظیم دستور کار اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی که در دسامبر ۱۹۹۹ در سیاتل آمریکا برگزار شد، اشاره کرد. برای برگزاری این اجلاس، حدود ۱۵۷ پیشنهاد به دبیرخانه سازمان واصل شد که نیمی از آن ها را کشورهای در حال توسعه ارائه داده بودند. این موضوع، میزان اشتیاق آن ها به مشارکت بیشتر در برنامه های سازمان را نشان می دهد.

البته، گروه دیگری از کشورهای در حال توسعه به رهبری هند، پاکستان و مصر، با برخی پیشنهادهای آمریکا مخالفت کردند و آن را تخطی از دستور جلسه از قبل تهیه شده دانستند. هنگ کنگ نیز پس از پایان مذاکرات، با هدف کاهش تعرفه های صنعتی در سطحی بالاتر از میزان کاهش یافته در دور اروگوئه، حمایت شدید خود را از کاهش تعرفه های صنعتی در دور آینده مذاکرات اعلام داشت.

مجارستان برای اطمینان از عدم تبعیض و وجود تعادل بین حقوق و تعهدات شرکت های تجاری دولتی، پیشنهاد بازنگری در ماده ۱۷ گات و مقررات مربوط به آن، از جمله حذف حقوق انحصاری رسمی و غیر رسمی واردات یا صادرات، را رد کرد. کوبا، جمهوری دومینیکن، السالوادور، هندوراس و نیکاراگوئه پیشنهاد کردند که وزرا در اجلاس سیاتل در مورد اصلاح بند الف ماده ۳/۱ توافقنامه یارانه ها و عوارض جبرانی تصمیم گیری کنند تا عدم تعادل موجود از میان برود و به کشورهای در حال توسعه اجازه داده شود از یارانه هایی که با هدف های توسعه کشور، قابل توجیه است. نظیر برنامه های متنوع سازی محصولات، صنعتی شدن و توسعه پایدار. استفاده کنند. (۳۳)

مالزی از طرف اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) توصیه کرد که وزرای کشورهای عضو از انطباق قوانین، مقررات و رویه های اداری خود با تعهدات سازمان، بدون توجه به حوزه قلمرو آن ها، اطمینان حاصل کنند. هدف از این پیشنهاد، منظور کردن محدودیت های تجاری دولت های مرکزی یا محلی مختلف در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی بود.

در جریان برگزاری سومین اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی (اجلاس سیاتل) گروه کشورهای در حال توسعه، حضور فعال و در برخی موارد تعیین کننده ای داشتند. در اولین اجلاس، مذاکرات اصلی و تنظیم پیش نویس قطعنامه نهایی به پنج گروه کاری محول شده بود. ریاست سه گروه کاری به نمایندگان زیر محول شد:

الف. کشاورزی به نماینده سنگاپور؛
ب. دسترسی به بازار خدمات به

می شود با بررسی میزان عضویت کشورهای جنوب در این سازمان و ارزیابی میزان مشارکت و نفوذ آن ها در تصمیم گیری ها و در نهایت تعیین سهم آن ها در مبادلات جهانی - به عنوان شاخص های مورد نظر در این نوشته - به ارزیابی نسبی میزان و چگونگی گرایش کشورهای جنوب به همگرایی جهانی پرداخته شود.

الف. میزان عضویت در سازمان تجارت جهانی

همانطور که پیشتر اشاره شد، سازمان تجارت جهانی، شکل تکامل یافته «گات» و یکی از عوامل اصلی تنظیم فعالیت های اقتصادی در جهت همگرایی جهانی است. همه اعضای گات. در حال توسعه و توسعه نیافته. به طور خودکار به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده اند. بعد از تاسیس این سازمان، کشورهای دیگر نیز درخواست عضویت را مطرح کرده اند که با درخواست بعضی از آن ها موافقت شده است.

در واقع، اگرچه در ذهنیت عمومی، گات و خلف آن، یعنی سازمان تجارت جهانی، باشگاه کشورهای صنعتی و ثروتمند است و در این خصوص، تبلیغاتی نیز به عمل می آید، ولی رویه کشورها نشان داده است که دولت ها. حداقل بیشتر دولت های توسعه نیافته. چنین تفکری ندارند؛ افزایش عضویت کشورهای کمتر توسعه یافته در گات به رغم برخی از نارضایتی ها دال بر این موضوع است. (جدول شماره ۱). (۳۲)

برای نمونه، در فهرست کشورهای متعهد گات (۱۹۴۷) و عضو سازمان تجارت جهانی، اسامی کشورهای زیادی در گروه توسعه نیافته و حتی دارای نظام سوسیالیستی مشاهده می شود. مثلاً کشورهای بنگلادش، بنین، کامرون، شیلی، کنگو، قبرس، السالوادور، گامبیا، غنا، آرژانتین، برزیل، کلمبیا، مصر، ترکیه، اروگوئه، بحرین و تانزانیا هم در گات و هم در سازمان تجارت جهانی عضویت داشته اند. همچنین برخی از دیگر کشورهای در حال توسعه نظیر ارمنستان، مقدونیه، قرقیزستان، عمان، پاناما، آلبانی، اردن، گرجستان و... بعد از تاسیس این سازمان به عضویت آن درآمده اند (جدول شماره ۲).

در مجموع می توان گفت از ۱۴۸ عضو سازمان تجارت جهانی، بیش از ۱۱۹ مورد، در حال توسعه، توسعه نیافته و یا دارای کمترین توسعه یافتگی هستند. همچنین از ۴۸ کشور کمتر توسعه یافته که هم اکنون در فهرست اعضای سازمان ملل متحد قرار دارند، ۳۰ کشور به عضویت سازمان تجارت جهانی در آمده اند و ۹ کشور در فرایند الحاق به این سازمان قرار دارند (جدول های ۱ و ۲ و ۳). این میزان تقاضا برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، از یک سو مبین گرایش این کشورها به همگرایی جهانی و از سوی دیگر، نشان دهنده حضور فعال آن ها در اقتصاد جهانی است.

ب. میزان مشارکت و نفوذ جنوب در تصمیم گیری ها

حضور چشمگیر اکثر کشورهای جنوب در سازمان تجارت جهانی باعث شده است که این کشورها تأثیر به سزایی در تصمیمات سازمان تجارت



جدول (۱) - اعضای اولیه سازمان تجارت جهانی (اعضای گات)

ردیف	کشور	ردیف	کشور	ردیف	کشور	ردیف	کشور
۱	آمریکا	۲۳	اروگوئه	۶۵	بروندی	۹۷	بولیوی
۲	انگلستان	۳۲	ژاپن	۶۶	رواندا	۹۸	کاستاریکا
۳	فرانسه	۳۵	غنا	۶۷	گویان	۹۹	ماکوئو
۴	بلژیک	۳۶	مالی	۶۸	سونیس	۱۰۰	السالوادور
۵	هلند	۳۷	نیجریه	۶۹	باربادوس	۱۰۱	گواتمالا
۶	لوکزامبورگ	۳۸	سیرالئون	۷۰	کره جنوبی	۱۰۲	موزامبیک
۷	کانادا	۳۹	تانزانیا	۷۱	آرژانتین	۱۰۳	نامیبیا
۸	استرالیا	۴۰	پرتغال	۷۲	لهستان	۱۰۴	مالی
۹	کوبا	۴۱	اسرائیل	۷۳	ایرلند	۱۰۵	سوازیلند
۱۰	آفریقای جنوبی	۴۲	اوگاندا	۷۴	ایسلند	۱۰۶	سنت لوسیا
۱۱	هند	۴۳	ترینیداد و توباگو	۷۵	مصر	۱۰۷	جمهوری چک
۱۲	نروژ	۴۴	کویت	۷۶	موریس	۱۰۸	اسلواکی
۱۳	زیمبابوه (رودزای جنوبی)	۴۵	گابون	۷۷	جمهوری دموکراتیک کنگو (زئیر)	۱۰۹	دومینیکا
۱۴	میانمار (برمه)	۴۶	بورکینافاسو	۷۸	رومانی	۱۱۰	سنت وینسنت و گرانادین
۱۵	سری لانکا (سیلان)	۴۷	آفریقای مرکزی	۷۹	بنگلادش	۱۱۱	فیجی
۱۶	برزیل	۴۸	کامرون	۸۰	سنگاپور	۱۱۲	برونئی دارالسلام
۱۷	زلاندنو	۴۹	کنگو	۸۱	مجارستان	۱۱۳	بحرین
۱۸	پاکستان	۵۰	چاد	۸۲	سورینام	۱۱۴	پاراگوئه
۱۹	شیلی	۵۱	قبرس	۸۳	فیلیپین	۱۱۵	گرانادا
۲۰	هائیتی	۵۲	اسپانیا	۸۴	کلمبیا	۱۱۶	امارات عربی متحده
۲۱	اندونزی	۵۳	بنین	۸۵	زامبیا	۱۱۷	گینه بیسائو
۲۲	یونان	۵۴	سنگال	۸۶	تایلند	۱۱۸	سنت کیتس و نویس
۲۳	سوئد	۵۵	موریتانی	۸۷	مالدیو	۱۱۹	لیختن اشتاین
۲۴	دومینیک	۵۶	ماداگاسکار	۸۸	بلیز	۱۲۰	قطر
۲۵	فنلاند	۵۷	ساحل عاج	۸۹	هنگ کنگ	۱۲۱	آنگولا
۲۶	دانمارک	۵۸	چامبیکا	۹۰	مکزیک	۱۲۲	هندوراس
۲۷	نیکاراگوئه	۵۹	نیجر	۹۱	آنتیگوا و باربودا	۱۲۳	اسلونی
۲۸	ایتالیا	۶۰	کنیا	۹۲	مراکش	۱۲۴	گینه
۲۹	آلمان	۶۱	توگو	۹۳	بوتسوانا	۱۲۵	جیبوتی
۳۰	پرو	۶۲	مالاوی	۹۴	لسوتو	۱۲۶	گینه نو پاپوا
۳۱	ترکیه	۶۳	مالت	۹۵	تونس	۱۲۷	جزایر سلیمان
۳۲	اتریش	۶۴	کامبیا	۹۶	ونزوئلا	۱۲۸	اتحادیه (جامعه) اروپا*

* نام رسمی جامعه/اتحادیه اروپا در سازمان تجارت جهانی، جوامع اروپایی (European Communities) است.

منبع: دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی

جدول (۲) - کشورهای ملحق شده به سازمان تجارت جهانی

ردیف	کشور	تاریخ عضویت
۱	اکوادور	۲۱ ژانویه ۱۹۹۶
۲	بلغارستان	۱ دسامبر ۱۹۹۶
۳	مغولستان	۲۹ ژانویه ۱۹۹۷
۴	پاناما	۶ سپتامبر ۱۹۹۷
۵	قرقیزستان	۲۰ دسامبر ۱۹۹۸
۶	لتونی	۱۰ فوریه ۱۹۹۹
۷	استونی	۱۳ نوامبر ۱۹۹۹
۸	اردن	۱۱ آوریل ۲۰۰۰
۹	گرجستان	۱۴ ژوئن ۲۰۰۰
۱۰	آلبانی	۸ سپتامبر ۲۰۰۰
۱۱	عمان	۹ نوامبر ۲۰۰۰
۱۲	کرواسی	۳۰ نوامبر ۲۰۰۰
۱۳	لیتوانی	۸ مه ۲۰۰۱
۱۴	مولداوی	۲۶ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۵	چین	۱۱ دسامبر ۲۰۰۱
۱۶	تایوان*	۱ ژانویه ۲۰۰۲
۱۷	ارمنستان	۵ فوریه ۲۰۰۳
۱۸	مقدونیه	۴ آوریل ۲۰۰۳
۱۹	نپال	۲۳ آوریل ۲۰۰۴
۲۰	کامبوج	۱۳ اکتبر ۲۰۰۴

* نام رسمی تایوان (چین تایپه) در سازمان تجارت جهانی، قلمرو مجزای گمرکی تایوان، پنگو، کینمن و ماتسو می باشد.
منبع: همان.

سازمان آنچنان چشمگیر است که حتی تصدی مدیریت سازمان نیز مورد توجه این گروه از کشورها قرار گرفته است.

به دنبال این خواسته، سازمان در اجلاس ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ برای تعیین دبیر کل جدید به اقدام جالبی دست زد. به این ترتیب که مقرر شد برای یک دوره سه ساله که از سپتامبر ۱۹۹۹ آغاز گردید آقای «مایک مور» از نیوزیلند به عنوان دبیر کل سازمان منصوب گردد و پس از خاتمه دوره، «سوپاچای پانتیج پاکدای» که پیشتر وزیر تجارت تایلند بود، جانشین وی شود.

«پانتیج پاکدای» قبل از شروع دوره تصدی خود در سمیناری ضمن اشاره به نقش بیش از پیش کشورهای در حال توسعه اظهار داشت: «انتخاب من به عنوان دبیر کل آتی سازمان تجارت جهانی، مبین لزوم توجه بیشتر به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است. به طور

نماینده لسوتو؛ و

ج. موضوعات تشکیلاتی سازمان به طور مشترک به نمایندگان شیلی و فیجی.

به اعتقاد یکی از ناظرین ایرانی شرکت کننده در اجلاس سیاتل، یکی از عوامل شکست این اجلاس، ناخرسندی گروه کشورهای در حال توسعه بود، زیرا برای نمونه، آن‌ها از عدم شفاف بودن فرایند کار در سازمان تجارت جهانی و کنار گذاشته شدن آن‌ها از مذاکرات «اتاق سبز» (اصطلاحی که به دلیل رنگ اتاق کنفرانس خصوصی دبیر کل سابق سازمان رواج یافته است) ناراضی بودند. (۳۴)

صرف نظر از رویداد مذکور، روند کلی مشارکت کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری‌های سازمان تجارت جهانی، مثبت و با شتاب است، به طوری که نقش کشورهای در حال توسعه در تداوم فعالیت این

الف) کشورهای در حال الحاق به سازمان تجارت جهانی

ردیف	کشور	سال تشکیل گروه کاری الحاق	ردیف	کشور	سال تشکیل گروه کاری الحاق
۱	الجزایر	۱۹۸۷	۱۴	آندورا	۱۹۹۷
۲	روسیه	۱۹۹۳	۱۵	لائوس	۱۹۹۸
۳	عربستان	۱۹۹۳	۱۶	ساموآ	۱۹۹۸
۴	روسیه سفید	۱۹۹۳	۱۷	لبنان	۱۹۹۹
۵	اوکراین	۱۹۹۳	۱۸	بوسنی و هرزگوین	۱۹۹۹
۶	سودان	۱۹۹۴	۱۹	بوتان	۱۹۹۹
۷	ازبکستان	۱۹۹۴	۲۰	یمن	۲۰۰۰
۸	ویتنام	۱۹۹۵	۲۱	کیپ ورد	۲۰۰۰
۹	وانواتو	۱۹۹۵	۲۲	صربستان و مونتنگرو (یوگسلاوی)	۲۰۰۱
۱۰	سیشل	۱۹۹۵	۲۳	تاجیکستان	۲۰۰۱
۱۱	تونگا	۱۹۹۵	۲۴	باهاما	۲۰۰۱
۱۲	قزاقستان	۱۹۹۶	۲۵	اتیوپی	۲۰۰۳
۱۳	آذربایجان	۱۹۹۷	۲۶	لیبی	۲۰۰۴

منبع: همان

ب) دیگر کشورهای ناظر

ردیف	کشور	سال عضویت
۲۷	واتیکان	۱۹۹۷
۲۸	سائوتومه و پرنسپ	۲۰۰۱
۲۹	گینه استوایی	۲۰۰۲
۳۰	عراق	۲۰۰۴

منبع: همان.

ج. سهم کشورهای جنوب در مبادلات جهانی

میزان مشارکت کشورهای جنوب در حال توسعه جنوب در فرآیندهای جهانی، به ویژه در تجارت جهانی، می‌تواند یکی از دیگر شاخص‌های ارزیابی گرایش این کشورها به همگرایی جهانی. که در واقع، یکی از آثار تأسیس سازمان تجارت جهانی بر نوع گرایش بیرونی این کشورها است. باشد. به طور کلی، سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی کالا از ۳۳ درصد در میانه دهه ۱۹۸۰ به ۴۳ درصد در سال ۱۹۹۵ رسید. علاوه بر این، پیش‌بینی می‌شود چین در سال ۲۰۲۰ به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل شود که در این صورت، کشورهای در حال توسعه، بیش از ۶۰ درصد تولید جهانی را به خود اختصاص خواهند داد. (۴۷) در واقع، میزان مشارکت

سنتی، گات، باشگاه ثروتمندان تلقی می‌شد، ولی در حال حاضر نگرش به این سازمان تفاوتی اساسی یافته است. نامزدی من و سفیر مراکش، نمونه‌ای از رویکرد متفاوت در قبال کشورهای در حال توسعه است. (۳۵) اعضای سازمان تجارت جهانی در چهارمین کنفرانس وزرا در دوحه قطر در سال ۲۰۰۱ بر اهمیت نقش موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای در ترویج آزادسازی تجارت و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی کشورها تأکید کردند. آن‌ها همچنین بر لزوم ارتباط موزون بین فرآیندهای منطقه‌ای و چندجانبه برای آغاز مذاکرات و نیز شفافیت و بهبود رویه‌ها و نظام‌های مرتبط با موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای با در نظر گرفتن جنبه‌های توسعه‌ای آن صحنه گذاشتند. (۳۶)

مناطق و کشورهای جنوب، به ویژه کشورهای در حال توسعه، در صادرات جهان طی سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ همواره در حال افزایش بوده است. میزان واردات مناطق و کشورهای در حال توسعه نیز در دوره فوق همواره روند صعودی داشته است. علاوه بر این، در همین مدت، به ویژه در سال های پس از تأسیس سازمان تجارت جهانی، تجارت خدمات در کشورها و مناطق در حال توسعه با جهش همراه بوده است.

همچنین پس از تأسیس این سازمان، ارزش صادرات و واردات کشورها و مناطق در حال توسعه افزایش قابل توجهی یافته است. به عنوان مثال، ارزش صادرات و واردات کشورهای آفریقایی و آسیایی در سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۱۰۶۴۶۹ میلیون دلار و ۵۸۹۹۹۹ میلیون دلار بود، در حالی که این ارقام در سال ۲۰۰۰ به ۱۳۴۸۸۱ میلیون دلار و ۱۵۴۹۵۶۶ میلیون دلار افزایش یافت. همچنین ارزش صادرات و واردات خدمات کشورهای آفریقایی و آسیایی در سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۲۱۴۷۴ میلیون دلار و ۹۶۱۰۶ میلیون دلار بود، ولی در سال ۱۹۹۵ این ارقام به ترتیب به ۲۷۵۷۱ میلیون دلار و ۲۰۸۵۰۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۰۰ به ترتیب به ۳۳۰۸۳ میلیون دلار و ۲۶۹۸۰۴ میلیون دلار رسید. (۲۸)

از سوی دیگر، سهم تجارت (مجموع صادرات و واردات) در کشورهای در حال توسعه از حدود ۳۳ درصد در اواسط دهه ۱۹۸۰ به حدود ۴۳ درصد در اواخر دهه ۹۰ افزایش یافت و در دهه نخست قرن ۲۱ می تواند از ۵۰ درصد فراتر رود. این رشد سریع، نشانگر برون گرایی فزاینده کشورهای در حال توسعه و گذار کشورهای سوسیالیستی سابق به اقتصاد بازار است. علاوه بر این، در طول هفت سال پس از شروع مذاکرات دور اروگوئه در سال ۱۹۸۶، از ۷۲ اقدام مستقل در زمینه آزاد سازی که به «گات» گزارش داده شد، ۵۷ مورد به کشورهای در حال توسعه مربوط بود.

ادغام فزاینده کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی، با ادغام فزاینده آن ها در مبادلات مالی دنیای همراه است. در دوره ۹۴-۱۹۹۰، ورود سرمایه های خصوصی به کشورهای در حال توسعه چهار برابر شد. این سرمایه ها حدود سه چهارم از کل سرمایه بلندمدت وارداتی به کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهد و برخلاف گذشته که برتری با وام های بانکی بود، اکنون سرمایه مالی وارداتی تنوع بیشتری یافته است.

علاوه بر این، سهم کشورهای در حال توسعه از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۲۳ درصد در اواسط دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۴۰ درصد در دوره ۹۴-۱۹۹۲ رسید. ولی به رغم اینکه ادغام کل کشورهای در حال توسعه در بازار جهانی رو به افزایش است، سطح و سرعت این ادغام در کشورهای مختلف، بسیار متفاوت است.

به عنوان نمونه، در زمینه تجارت، بیشترین اختلاف بین شرق آسیا و منطقه آفریقا وجود دارد. ادغام شرق آسیا در تجارت جهانی، سریع و مداوم بوده است، حال آنکه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی تا این اواخر رو به کاهش بوده و هنوز بسیار کمتر از ۲۰ سال پیش است. ادغام مناطق دیگر - آمریکای لاتین، جنوب آسیا، اروپا و آسیای مرکزی - در تجارت جهانی نیز اخیراً در اثر گرایش آن ها به اصلاحات برون گرایانه و شروع دگرگونی سیستمی، تا حدودی، افزایش یافته است. (۳۹) به طور کلی، افزایش نقش بین المللی کشورهای در حال توسعه بدین معناست که آن ها تأثیر اقتصادی بیشتری بر کشورهای صنعتی جهان خواهند گذاشت. برای مثال، در اواخر دهه ۱۹۸۰، حدود یک پنجم صادرات کشورهای صنعتی به مقصد کشورهای در حال توسعه بود، ولی اکنون این

رقم به حدود یک چهارم افزایش یافته است و احتمالاً تا پایان دهه نخست قرن ۲۱ به یک سوم خواهد رسید. در دوره ۹۲-۱۹۹۱ که اکثر کشورهای صنعتی گرفتار رکود بودند، کشورهای در حال توسعه، سه چهارم از رشد صادرات جهان را به خود اختصاص دادند. بنابراین رشد اقتصادی کشورهای صنعتی بر اساس قدرت خرید می تواند از سطح فعلی ۴۳ درصد به بیش از ۵۰ درصد در دهه نخست قرن ۲۱ برسد. (۴۰)

علاوه بر این، تغییراتی در انعقاد موافقتنامه های دو جانبه (متقابل) بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته داده شده است. به عنوان نمونه می توان به موافقتنامه اروپا - مدیترانه که بین اتحادیه اروپا و شمال آفریقا منعقد و جایگزین موافقتنامه تجارت منطقه ای غیرمتقابل شده است، اشاره کرد. همچنین می توان به موافقتنامه های اتحادیه اروپا و گروه کشورهای آفریقا، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام اشاره کرد که بعد از «کوتونو» منعقد شده است. (۴۱) بنابراین، می توان گفت کشورهای در حال توسعه نه تنها گام های بلندی به سوی همگرایی جهانی برداشته اند، بلکه یک نیروی محرکه برای جهانی شدن هستند.

خلاصه

یکی از مهمترین عوامل همگرایی و جهانی شدن در میان کشورهای جنوب، ایجاد گات و سپس سازمان تجارت جهانی است. با پیش بینی برخی امتیازات ویژه، از جمله در نظام حقوقی مندرج در موافقتنامه های این سازمان، تشکیل کمیته های ویژه و آموزش های فنی و حقوقی، بستر، علاقه و انگیزه لازم برای گرایش کشورهای جنوب به این سازمان و همراهی با نظام جهانی فراهم آمد. عضویت تقریباً همه این کشورها در سازمان تجارت جهانی، افزایش نفوذ و مشارکت آن ها در تصمیم گیری های جهانی - به ویژه در حوزه اقتصاد - و رشد سهم این کشورها در مبادلات جهانی، شاهدهی است بر این مدعا که جهانی شدن اقتصاد گرچه منجر به تشدید برخی پیوندهای منطقه ای سابق میان کشورهای جنوب شده است، اما از طریق فراهم کردن زمینه های تأسیس سازمان تجارت جهانی و پیش بینی برخی امتیازات ویژه برای کشورهای جنوب، موجب جذب بسیاری از این کشورها در ترتیبات جهانی و در نهایت، منجر به ادغام آن ها در فرایند همگرایی جهانی گردیده است.

پی نوشت ها:

* این مقاله، بخشی از یافته های یک طرح پژوهشی است که در چارچوب طرح های پژوهشی مورد حمایت دانشگاه آزاد اسلامی (واحد کرج) در سال ۱۳۸۲ اجرا شده است.

۱. دیوید هلد و آنتونی مک گرو، **جهانی شدن و مخالفان آن**، ترجمه مسعود کرباسیان، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۱
۲. نگاه کنید به:

Robert Wade, "Globalization and Its Limits: The Continuing Economic Importance of Nations and Regions", in Suzanne Berger and Ronald Dore (eds), *Convergence or Diversity? National Models of Production and Distribution in a Global Economy* Ithaca, Cornell University Press, 1996, pp. 62-95.

۳. فرهاد جوان، «سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۸۰ - ۱۷۹، مرداد

و شهریور ۱۳۸۱، ص ۲۴۱.

۴. رضا اکبریان، «سازمان جهانی بازرگانی و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۷۷، خرداد و تیر ۱۳۸۱، ص ۱۷۴.
۵. نگاه کنید به:

- OECD, Globalization of Industrial Activities, Paris, OECD, 1994, p. 11.

۶. نگاه کنید به:

- A. Mac Lwan, "Globalization and Stagnation" in R. Miliband and L. Panitch **Between Globalization and Nationalism Socialist Register**, 1994, p. 130; Paul Krugman, "Past and Prospective causes of High Unemployment" **Economic Review** 70(4), 1996, pp. 342-358.

۷. حسین پور احمدی میبدی، «دیالکتیک جدید سیستم اقتصاد سیاسی بین الملل: جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی اقتصادی و تجاری»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۵۶-۱۵۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صص ۱۸۸-۱۸۷.
برای مطالعه بیشتر در باره رابطه تجارت و توسعه نگاه کنید به: احمدخوی، **تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی**، (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۳).

۸ - مارتین خور، **جهانی شدن و جنوب**، ترجمه صلاح الدین چشمه خاور (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۲).

۹ - پیشین، صص ۲-۳.

۱۰. پیشین، صص ۹-۵.

۱۱. نگاه کنید به:

L. Sklaire, **Capitalism and Development**, London, Routledge, 1994, pp. 17-34.

۱۲. رضا سیمبر، «جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر حاکمیت ملی کشورها»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۷۶-۱۷۵، ص ۱۸۹.

۱۳. علیرضا رحیمی بروجردی، «شمال و جنوب در فرایند همگرایی و جهانی شدن: تقابل یا تعامل»، سیاست خارجی، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۰۳.

۱۴. سازمان تجارت جهانی، **تجارت در آینده**، ترجمه محمد جواد ابروانی، (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۱) ص ۱۳۳.

۱۵. نگاه کنید به:

- Wolfgang Fikentscher, "GATT Principles and Intellectual Property Protection" **GATT or WIPO New Ways in the International Protection of Intellectual Property**, Karl Beier and Schriker (ed)

(Munich: VCH Publishers, 1989, pp. 113 - 116.

۱۶. رضا پاکدامن، رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۹) صص ۴۱-۴۲.

۱۷. پیشین، صص ۴۳-۴۴.

۱۸. پیشین، صص ۴۵-۴۶.

۱۹. پیشین، ص ۵۱-۵۰.

۲۰. پیشین.

۲۱. پیشین، ص ۵۴-۵۳.

۲۲. پیشین، ص ۶۱-۶۰.

۲۳. پیشین، ص ۶۲.

برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: وحید بزرگی، «سازمان جهانی بازرگانی، حقوق مالکیت فکری و کشورهای در حال توسعه»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۷۳-۱۷۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، صص ۱۹۷-۱۹۲.

۲۴. پیشین، ص ۷۸.

۲۵. پیشین، ص ۸۳.

۲۶. پیشین، ص ۹۳.

۲۷. پیشین، صص ۹۵-۹۴.

۲۸. پیشین، ص ۱۰۱.

۲۹. سازمان تجارت جهانی، **پیشین**، ص ۱۳۷.

۳۰. **پیشین**، ص ۱۳۸.

۳۱. **پیشین**، ص ۱۴۰.

۳۲. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی، **خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی**، سال ششم، شماره ۳۶، تیرماه ۱۳۸۱، ص ۵۲.

۳۳. رضا پاکدامن، **پیشین**، صص ۱۶-۱۴.

۳۴. نگاه کنید به: دکتر جلال الدین جلالی، **گزارش شرکت در سومین اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی و اجلاس بانک توسعه اسلامی در سیاتل** (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۸). صص ۷-۳.

۳۵. سخنرانی پانچ پانچ پانچ در دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۸/۷/۴، (به نقل از: **پیشین**، ص ۱۸).

۳۶. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی، **خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی**، سال ششم، شماره ۳۶، تیرماه ۱۳۸۱، ص ۵۲.

۳۷. ابراهیم مسعودنیا، «جهانی شدن نامتوازن: واگرایی کشورهای در حال توسعه»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۲۰۰-۱۹۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۶۹.

38. United Nations, UNCTAD HANDBOOK OF STATISTICS, 2003, New York and Geneva, 2003

۳۹. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی، «چالش ها و فرصت های جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه»، **خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی**، سال پنجم، شماره ۳۰، دی ۱۳۸۱، صص ۴۹-۴۸.

۴۰. **پیشین**، ص ۵۰.

۴۱. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی، **خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی**، سال ششم، شماره ۴۱، آذر ۱۳۸۱، ص ۵۴.

